



(مقاله پژوهشی)

## تبیین منظومه فکری و تمدنی امام علی(ع) در اعمال آموزه امت اسلامی از منظر نهج البلاغه

اصغر منتظرالقائم<sup>۱</sup>، زهرا سادات کشاوری<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

(از ص ۵۳ تا ۷۵)

### چکیده

تبیین مفهوم و نقش امت براساس مجموعه فرمایشات علمی و سیره عملی امام علی(ع) در فرآیند ساخت تمدن اسلامی، نقطه عزیمت این نوشتار است تا وانماید که این نظریه چه ظرفیتهایی در باروری تمدن‌سازی دارد. سؤال پژوهش این است که امام علی(ع) برای احیای مفهوم امت اسلامی چه رفتارهایی داشتند و چه دیدگاه‌هایی را تبیین نمودند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا این فرضیه را بررسی کند که ایده امت‌گرایی امام علی(ع) ناشی از اصول ثابت دیدگاه وحدت‌گرایانه و سیره آن حضرت بود که پیامد آن ارائه گفتمان نوین تمدنی در گستره جهانی و انسانی و فرامنطقه‌ای، فراقبیله‌ای و فرانژادی می‌باشد. کارکردهای تمدنی آموزه امت در این مقطع تاریخی را نباید در ظواهر تمدنی جستجو کرد بلکه مربوط به ساحت کلان و بنیان اندیشه متعالی و روح حاکم بر مبانی نظام‌سازی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تمدن‌سازی علوی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد انکار و مخالفت با مرزبندی‌های عقل قبیله‌ای، رسوم عصبیت اشرافیت جاهلی، قومی و نژادی، تلاش برای پی‌ریزی حفظ عقیده مشترک و پیاده کردن نشانه‌های شریعت و حدود آیین همگانی اسلام، ایجاد وحدت و انسجام اجتماعی، حفظ میراث فرهنگی و تمدنی همه انبیا، همزیستی همه اقوام و نژادهای گوناگون مسلمان، همسویی با آداب و سنن پسندیده اقوام و ملل و محبت نسبت به آحاد امت از سوی رهبر و امام الهی از ظرفیتهای اثرگذار در نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمدن‌سازی اسلامی است. امام علی(ع) در عمل تمامی امکانات و تلاش خود را برای همسازگری امت به کار گرفت تا گفتمان خود را جامه عمل بپوشاند.

**کلید واژه‌ها:** امت اسلامی، وحدت، تمدن‌سازی، همسان‌سازی اجتماعی، نهج البلاغه.

۱. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

تمدن‌سای براساس آموزه‌های دینی به معنای ابتدای تمدن بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین در تمدن‌سازی و ایجاد نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. نگاه استراتژیک دین اسلام از منظر از تمدنی دارای مبادی بنیادینی است که به‌طور کلی به ماهیت هستی‌شناسی، جهان‌بینی و شریعت اسلامی برمی‌گردد. آموزه امت از مبادی مذکور است که مبنای ظرف و آرمان اجتماعی جهت تحقق تمدن اسلامی است و سطح تحلیل آن فرامنطقه‌ای، فراقبلیه‌ای و فرائزادی است. بر این اساس تأمل نظری در باب مفهوم تمدن از دیدگاه اسلام و ثوابت تمدنی اسلام بسیار مهم و متقدم بر رویکرد به مظاهر تمدنی اسلام است. آنچه در تحلیل آموزه امت اسلامی معمولاً مورد غفلت واقع می‌شود، نقش‌آفرینی آن در عرصه حیات تمدنی مسلمانان است. یکی از مقاطع حساس تاریخ تشیع، روزگار خلافت امیرمؤمنان(ع) بود. بررسی این بخش از تاریخ تحولات سیاسی، فرهنگی و تمدنی می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی در راستای کشف و فهم دینامیسم حاکم بر نظام‌سازی چهارگانه تمدن‌سازی داشته باشد. نظریه امت‌گرایی<sup>۱</sup> یکی از اصول مذکور در نظام‌سازی اجتماعی تمدن‌سازی علوی است و امتیاز برجسته امت اسلامی در مقابل سایر اجتماعات انسانی است که قوام آن به شاخص «پذیرش» و «اطاعت» از احکام الهی است. بر این اساس رسول‌الله(ص) و امام علی(ع) و همه حاکمان تابع قوانین واحدی می‌باشند و چنان نیست که قدرت به معنای خروج از دایره عبودیت و دستیابی به امتیازات ویژه باشد. از این‌رو، امت در عرصه «سیاست و اجتماع» کارکردهای سازنده‌ای از جمله عبودیت، نفی سلطه افراد بر یکدیگر، مساوات در برابر قانون و سرنوشت مشترک در راستای اهداف عالی امت در راستای تمدن‌سازی دارد. این نظریه از ویژگی‌های سیره امیرمؤمنان(ع) در مقابل سایر خلفا است.

## ۱-۱. بیان مسئله

هجرت رسول خدا(ص) از مکه به یثرب، برای ایجاد جامعه‌ای دور از مظاهر و تنش‌های جاهلی بود که این مسئله بدون بازسازی برخی از ساختارها و فراهم آوردن سازوکارهای جدید تمدنی به دست نمی‌آمد. لذا آن حضرت در جهت کنترل اختلاف‌ها درصدد تأسیس ساختاری مناسب برای تحقق آموزه امت اسلامی در مدینه‌النبی برآمدند. مدینه‌النبی براساس سه پیش‌شرط الگوی مؤثر همانند واقعی بودن و افسانه نبودن آن، تناسب با اعتقادات اسلامی و فرهنگ جامعه و پذیرش آن توسط اکثریت جامعه مسلمانان، قابلیت‌های الگوبخشی در عرصه تحقق آموزه امت اسلامی را دارا بود. مدینه‌الوصی<sup>۲</sup> همانند مدینه‌النبی قابلیت‌های الگوبخشی در عرصه تحقق آموزه امت را دارد؛ زیرا به‌عنوان جهان‌شهر آرمانی

۱. امت‌گرایی از دیدگاه این پژوهش به معنای ایده به کارگیری همه امکانات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک فرد و جامعه در راستای تحقق، استحکام و تداوم و بقا امت است که نتیجه آن فراهم آمدن زمینه برای شکل‌گیری تمدن نوین خواهد بود؛ زیرا وحدت موجب همدلی و همبستگی اجتماعی و زدودن اختلافات و به‌کارگیری همه امکانات در راستای استحکام امت خواهد شد.

۲. «مدینه‌الوصی هر چند به لحاظ تاریخی منحصر در کوفه است؛ اما از نظر فلسفه جهان‌شهر آرمانی اسلام معطوف به آموزه‌های نبوی است و هر کجا وصی پیامبر(ص) با همان مختصات اعتقادی، رفتاری و اخلاقی حاضر و حاکم باشد مدینه‌النبی نیز با حضور او طرح و با حاکمیت او اجرا خواهد شد» (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۴۷)

اسلام مورد پذیرش اکثریت جامعه مسلمانان است و این مهم به نقش کارکردگرایانه مدینه‌الوصی در الگوبخشی به مسلمانان کمک می‌کند (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

امیرمؤمنان(ع) در طی بیست‌وپنج سال سکوت به ناگزیر در مواجهه با گسترش مرزهای جغرافیایی اسلام و ورود ملل گوناگون به دایره خلافت اسلامی، با توجه به این‌که از حق الهی سیاسی خود کنار گذاشته شده بود از هر گونه اقدامی که به آشوب و خشونت در جامعه نوپای اسلامی منجر شود، پرهیز داشت. امام با حفظ حق اعتراض و انتقاد نسبت به حقوق غصب شده‌اش، به مردم می‌فرمود: «ای مردم، امواج فتنه را با کشتی نجات بشکنید و راه اختلاف و درگیری را سد کنید و تاج فخرفروشی و غرور را از سر بردارید» (خطبه ۵). لذا در این دوران آن حضرت در برابر انواع رفتارهای درست حاکمان یک شهروند فعال و همکار محسوب می‌شد و در برابر نادرستی و اشتباهات حاکمان، یک ظرفیت بزرگ اجتماعی در نقد قدرت حاکم بود. به عبارت دیگر، امام علی(ع) بعد از رحلت پیامبر(ص) از طریق دعوت جامعه اسلامی به وحدت<sup>۱</sup> و همدلی، عملاً آموزه امت را در صحنه جامعه به نمایش می‌گذارد. همچنین در چهار سال و نه ماه حاکمیت سیاسی، قلمرو حکومت آن حضرت هرگز توسعه جغرافیایی نداشت؛ زیرا سه جنگ معروف جمل، صفین و نهروان به صورت داخلی در برابر تحریف‌های دینی، فتنه‌ها و انحرافات و آسیب‌های فرهنگی و بدعت‌گذاری‌های اعتقادی و اجتماعی بود و امام علی(ع) صرفاً به دنبال غنا بخشیدن به محتوای فرهنگی غنی اسلامی بود. سیره و اندیشه آن حضرت نشان می‌دهد همواره برای حفظ فرایند امت اسلامی کوشش می‌کرد. البته نباید پیامدهای اعمال آموزه امت اسلامی در روزگار حکومت امام علی(ع) را تنها در ظواهر تمدنی جستجو کرد بلکه در این دوره بنیان اندیشه‌ای و روح حاکم و جهت‌گیری تمدنی بر اعمال آموزه امت اسلامی در ساختار نظام سازی اجتماعی بنا نهاده شد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا این فرضیه را بررسی کند که ایده امت‌گرایی امام علی(ع) ناشی از اصول ثابت دیدگاه وحدت‌گرایانه و سیره آن حضرت است که پیامد آن ارائه گفتمان نوین تمدنی در گستره جهانی و انسانی و فرامنطقه‌ای، فراقبیل‌های و فرائزادی می‌باشد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

در پیشینه این پژوهش، بررسی‌های پراکنده‌ای انجام شده است؛ اما تاکنون به صورت مستقل و روشمند تحلیل درستی ارائه نشده است. در عین حال، پژوهش‌های پراکنده پژوهشگران پیرامون متغیرهای پژوهش، از کثرت زیادی برخوردار است و می‌تواند افق‌های روشنی را در مقابل آن قرار دهد. در کتاب‌هایی چون «استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام» تألیف موثقی (۱۳۷۲)، «میزگرد: تقریب بین مذاهب اسلامی» تألیف خسروشاهی (۱۳۸۱)، «مدارای بین مذاهب» سیدحسینی (۱۳۸۴)، «امامان شیعه و وحدت اسلامی» تألیف آقانوری (۱۳۸۸)، «وحدت اسلامی در نگاه اهل بیت(ع)» تألیف راضی (۱۳۹۶)

۱. اسم مصدر وحده در مقابل کثرت، وحدت در لغت به معنای یگانه شدن، یک‌تایی و یگانگی است (جوهری، ۱۴۰۷: ۵۴۷/۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۳۸۴؛ دهخدا، ۱۳۴۸: ذیل مدخل وحدت). «واحد به معنای احد است، و همزه احد بدل از واو واحد است» (زبیدی، بی‌تا: ۲۹۷/۵). در اصطلاح به معنای همبستگی، همراهی در مسیر واحد برای رسیدن به مقصدی واحد می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۵۲) و واحد چیزی است که هیچ جزئی برای او نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۷).

مفهوم امت فقط از منظر تقریب مذاهب بررسی می‌شود و نقش این مفهوم در مدیریت گسست‌های اجتماعی، رفع منازعات سیاسی، تعارضات قومی و اختلافات فرهنگی نادیده گرفته شده است. پیغان (۱۳۸۰) در مقاله «امت واحده؛ از هم‌گرایی تا واگرایی» با رویکرد تقریبی به بررسی وحدت امت اسلامی پرداخته است. منظور از امت واحده این است که با حفظ اختلافات، مسلمانان نسبت به هم همدلی داشته باشند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. نوایی (۱۳۸۵) در مقاله «نظام اجتماعی امت و امامت» پس از یک درآمد بسیار کوتاه در جهت معرفی نظام اجتماعی اسلام، با تأکید اصلی به وظایف امت در قبال امام و امام در قبال امت پرداخته است؛ به گونه‌ای که هیچ اشاره‌ای به موضوع امامت امام علی(ع) نمی‌شود. از موضوعاتی همانند زدودن استضعاف و دفع هجوم مخالفان، نشر اندیشه‌های بنیادی اسلام، بسترسازی برای تحقق عدالت و غیره به‌عنوان مهم‌ترین وظایف امام در قبال امت اشاره می‌کند. مقاله خرمی (۱۳۸۶) با عنوان «اتحاد و همبستگی در نهج‌البلاغه» ساختارمند نیست و شکل خطابه‌ای دارد. صادقی (۱۳۸۶) در مقاله خود «اصول و مبانی وحدت و انسجام از نگاه امام علی(ع)» به شکل گذرا بر آن است تا سیمای وحدت و انسجام اسلامی را در سیره علمی و عملی امام علی(ع) نمایش دهد تا از این رهگذر توشه‌ای برای چشم‌انداز آینده ملت ایران، امت مسلمان در جهان و موحدان عالم فراهم آید.

اسماعیلی (۱۳۸۸) نیز در اثر خود با عنوان «همبستگی فرهنگی، هویت و امت اسلامی» با استفاده از تمایز مفهومی میان همبستگی فرهنگی با سایر انواع همبستگی‌ها، خیلی گذرا نقش مفهوم امت واحده را در همبستگی بررسی کرده است. زارعی (۱۳۹۰) در مقاله «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام» رویکردی صرفاً سیاسی به مقوله امت دارد و بر پیامدهای منفی ناسیونالیسم در جهان اسلام تأکید می‌کند. مقاله قاسمی آرانی و خرم‌آبادی آرانی (۱۳۹۳) با عنوان «بازخوانی مفهوم وحدت اسلامی در نهج‌البلاغه» به شکل گذرا به وحدت و انسجام میان مسلمانان از مضامین دینی و اجتماعی مهم نزد امام علی(ع) اشاره کرده است. «در مقاله عرفان و بیات (۱۳۹۳) نیز با عنوان «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن» با استناد به مؤلفه‌های امت از منظر قرآن به تبیین مفهوم و نقش امت در فرایند ساخت تمدن اسلامی پرداخته شده تا نشان دهند که این نظریه چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی در باروری فرهنگی و نیز تمدن‌سازی دارد. فرزند وحی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) در تحکیم وحدت امت اسلامی» بررسی و تبیین وحدت در سیره پیامبر(ص) و ائمه(ص) را در جهت ارائه راهکار برای وحدت با آموزه‌های قرآن و دستورات پیامبر(ص) مورد کنکاش قرار داده‌اند. بهدار (۱۳۹۷) در مقاله «مبانی نظری وحدت امت اسلامی از منظر امیرالمومنین علی(ع)» با تأملی در رهنمون‌های امام علی(ع)، توحید، اسلام، قرآن، سنت نبوی، امامت، رهبری عادل و بصیر را به‌عنوان مبانی نظری وحدت امت اسلامی بررسی کرده است. همچنین در مقاله مقدسی و علوی‌مهر (۱۳۹۸) با عنوان «امام علی(ع) تندیس وحدت (پژوهشی در تبیین بعد هم‌گرایی اسلامی امام علی(ع))» موضع نظری و عملی امام در ارتباط با وحدت اسلامی بهترین الگو برای حفظ اتحاد اسلامی، رمز پیروزی

و رمز سربلندی مسلمانان بیان شده است. امیری (محمدزاده) (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل بنیان‌ها و کارکردهای وحدت و هم‌گرایی امت اسلامی در منظومه فکری امام علی(ع)» نشان می‌دهد که بنیان‌های هم‌گرایی در منظومه فکری امیرالمومنین علی(ع) ذات اسلام، توحید محوری، معادباوری، پیامبر اعظم(ص)، قرآن کریم و سنت و عترت است.

تفاوت این پژوهش‌ها با پژوهش حاضر از آن جهت است که گاه به دلایل توجه به بُعد و ابعاد خاصی از موضوع، مثلاً رویکرد حدیثی، تفسیری، اجتماعی و فروگذار کردن یا نادیده گرفتن برخی ابعاد، بررسی فرآیند کاربست و اعمال آموزه امت در جامعه امام علی(ع) (مدینه‌الوصی) با تکیه بر نهج‌البلاغه به رشته تحریر در نیامده است و تنها انعکاس طرز تلقی حوزه خاصی درباره مفهوم امت می‌باشند. این پژوهش، مسئله را با هدف کاربردی و ماهیت نظریه‌پردازی به شکل جامع و ساختارمند براساس مجموعه فرمایشات علمی و سیره عملی امام علی(ع) در فرآیند ساخت تمدن سازی اسلامی، به بحث و بررسی گذاشته است.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

روزگار شکوفایی تمدن اسلامی بهترین گواه بر جایگاه و کارکردهای تمدن سازی در دوران حاکمیت سیاسی رسول خدا و امام علی علیه السلام می‌باشد. در سایه نظام سیاسی برآمده از آموزه امت، مهاجر، انصار، عجم، عرب و تازه مسلمان با هر هویتی که به اسلام گرایش پیدا کرده بود بر «سازه‌های هویتی مشترکی» قرار داشتند که امام علی(ع) همانند پیامبر(ص) تحت عنوان «امت اسلامی» از آن یاد می‌کرد (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۵۰). در چهار سال و نه ماه حاکمیت سیاسی، همه جنگ‌های ایشان داخلی و در برابر تحریف‌های دینی، کجروی‌های فرهنگی و بدعت‌گذاری‌های اعتقادی و اجتماعی بود. قلمرو حکومت وی هرگز توسعه جغرافیایی نداشت و صرفاً در پی غنا بخشیدن به محتوای فرهنگی اسلامی بود و نقش الگویی وی مصروف در بازسازی تمدن اسلامی شد. از این‌رو، برای کشف و تبیین علمی بازخوانی فکری و تمدنی آموزه امت در این دوران، انجام پروژه‌هایی از این قبیل ضروری است؛ زیرا در جامعه امام، بنیان اندیشه‌ای و روح حاکم و جهت‌گیری تمدنی بر این مهم بنا نهاده شد.

## ۲. بحث

### ۱-۲. مفهوم امت و فرآیند آن از دیدگاه قرآن

کلمه امت اصطلاح قرآنی و دینی بوده و مفهوم محوری در اندیشه و معارف اسلامی داشته است. به گروه خاصی از پیروان یک دین به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد و رویکرد فکری امت گفته شده است (گارده، ۱۳۵۲: ۲۸۶). امت از ماده «ام» به معنای قصد و توجه ویژه بوده و همه لغت‌شناسان بر این مفهوم اتفاق نظر دارند. از این رو معنای اصلی این لفظ همان قصد و توجه پیدا کردن به سوی یک هدف مطلوب و راه مستقیم است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق: ۲۲/۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۳۴). این واژه در اصطلاح مجموعه‌ای از افراد و گروه همفکر همراه و همگام که بر یک محور و به سوی مقصد واحد در حرکت باشند بکار می‌رود (تهانوی، بی‌تا: ۹۱/۱). «امت، هر جماعتی که

امر و هدفی مشترک آن‌ها را دور هم جمع کرده؛ این نقاط اشتراک می‌تواند دین، آیین، سنت، مکان، زمان و غیره باشد<sup>۱</sup>» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ذیل مدخل امت؛ مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۷/۷۲).

با بررسی آیات قرآن کریم درباره «امت»، می‌توان گفت این واژه در نشان دادن سیمای جامعه دینی مسلمانان، نسبت به واژه‌های دیگر رساتر می‌باشد. واژه امت در قرآن با حفظ معنای اصلی لغوی، دارای کاربردهای متفاوت و در نتیجه به حسب سیاق‌های مختلف دارای مفهوم خاصی است<sup>۲</sup>. مفهوم امت با معانی «جامعه»، «ملت»، «کشور» و «وطن» تفاوت اساسی و بنیادین دارد؛ زیرا در این موارد ملاک در ویژگی‌های نژادی، جغرافیایی و ملی است. در حالی که در «امت اسلامی»، معیار اصلی، وحدت عقیدتی، فرهنگی و جهان‌بینی دینی است. بنابراین در اندیشه تمدنی اسلام که در مفهوم «امت» متبلور است؛ محدودیت‌ها و مرزبندی‌های جغرافیایی و مکانی، تعصبات قومی و نژادی و زبانی نقشی ندارد بلکه معیار در امت اسلامی، وحدت عقیدتی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم می‌باشد.

این واژه اسمی است عربی که جمع آن به صورت «امم» به کار می‌رود. این واژه به صورت مفرد، مضاف و جمع، جمعاً ۶۴ بار در ۶۲ آیه و در ۲۵ سوره آمده است که از میان ۴۷ مورد آن در سور مکی و ۱۷ مورد آن در سور مدنی به کار رفته است. ولی در همه موارد، یک معنا از آن مراد نشده است. در برخی موارد به معنای کل موجودات مسئول در خلقت، گاهی به‌عنوان مطلق گروه‌های انسانی و اقوام و قبایل، گاه بخشی از جامعه اسلامی و گاه کل جامعه اسلامی مدنظر بوده است<sup>۳</sup>. در دایره المعارف بزرگ اسلامی که انتظار می‌رفت احصاء دقیقی ارائه دهد تعداد استعمال آن را ۶۵ مورد دانسته است (ر.ک: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰: ۱۰/۱۹۲). استعمال واژه «امت» برای گروهی از انسان‌ها که بر اساس دین و احکام الهی و رهبری الهی متحد شده و اقدام به تشکیل یک جامعه دینی با اهداف مشترک کرده‌اند؛ برای نخستین بار در قرآن بیان شده است؛ زیرا، واژه امت در میان اعراب، مفهومی جامعه‌شناختی نداشته است. بلکه بیشتر در معنای «آیین و دین» به کار می‌رفت.

۱. چنان که خداوند می‌فرماید: «هر بار که امتی [در آتش] در آید، هم‌کیشان خود را لعنت کند» (اعراف/۳۸).  
 ۲. در تقسیم‌بندی معنا در دانش معناشناسی، می‌توان از انواع هم‌معنایی (Synonymy)، چندمعنایی (Polysemy)، تناقض معنایی (Incompatibility)، شمول معنایی (Hyponymy) و استلزام (Entailment) نام برد (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۳/۱۸۰۹).  
 ۳. امت در قرآن کریم علاوه بر سه معنای کلی، در دوازده مصداق کاربرد داشته است. این مصادیق عبارت از «حضرت ابراهیم(ع) و فرزندان یکتاپرست وی (بقره/۱۲۸ و بقره/۱۴۱-۱۴۰)، قوم هریک از پیامبران(ع) (غافر/۵)، هریک از تیره‌های دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل (اعراف/۱۶۰)، یهودیان بی‌توجه شهر «ایله» مشهور به اصحاب سبت، یهودیان پراکنده در مناطق مختلف زمین (اعراف/۱۶۸)، جمعیت هدایت‌گر قوم موسی(ع) (اعراف/۱۵۹)، جمعیت دعوت‌کننده به نیکی‌ها از امت اسلام (آل‌عمران/۱۰۴)، جمعیت معتدل از اهل کتاب (مائده/۶۶)، جهنمیان از جن و انس (اعراف/۳۸)، پیروان حضرت محمد(ص) (بقره/۱۴۲) و جامع فضایل و ارزش‌های الهی و مؤمنان صالح و آمران به معروف از اهل کتاب (آل‌عمران/۱۱۴-۱۱۳) هستند.

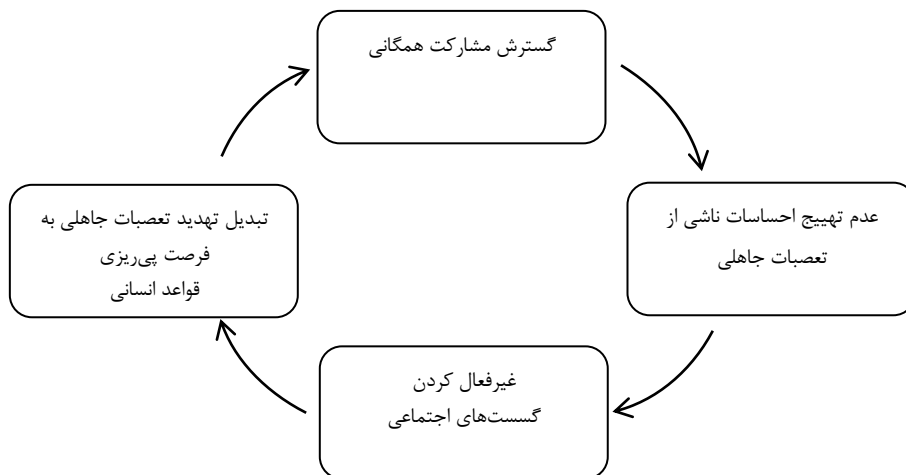
## ۲-۲. فرآیند امت در سیره رسول الله(ص)

یکی از راهکارهای توجه دادن جوامع اسلامی به هم‌گرایی<sup>۱</sup> امت، نشان دادن نگرش‌ها و رویکردهای تقریبی در میان عالمان اسلامی است. نخستین هم‌گرایی در تاریخ اسلام که زمینه شکل‌گیری امت را فراهم کرد را می‌توان در شعب ابوطالب و در فاصله سال‌های هفتم تا دهم بعثت (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق: ۳۷۷؛ ابن‌سعد، بی‌تا: ۲۱۰/۱) و سپس در پیمان‌های عقبه اول و دوم در سال دوازدهم و سیزدهم بعثت در شهر مکه با حضور بزرگان قبایل اوس و خزرج نمود پیدا کرد.

هجرت رسول‌الله(ص) به یثرب، برای تبدیل آن به جامعه‌ای دور از تنش‌های جاهلی بود؛ اما این مسئله بدون بازسازی برخی از ساختارها و فراهم آوردن مکانیسم‌های جدید به دست نمی‌آمد. باید پذیرفت که بسیاری از کنش‌گری‌های افراد در جامعه در چارچوب ساختارهای آن انجام می‌گیرد؛ لذا حضرت در جهت کنترل اختلاف‌ها درصدد تأسیس ساختاری مناسب برای تحقق امت اسلامی در مدینه‌النبی بودند. از این‌رو، پس از هجرت رسول‌الله(ص) به مدینه‌النبی، واژه امت مصداق وسیع‌تری پیدا کرد و مرکز ثقل سازمان سیاسی اسلام شد. از طریق بستن پیمان<sup>۲</sup> با مهاجران و قبایل گوناگون اوس و خزرج و یهودیان و پیمان مؤاخات (عقد اخوت برادری-دینی) در سال اول هجری به توصیه رسول‌الله(ص) (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق: ۹۰-۷۳) راه برای شکل‌گیری امت اسلامی و تشکیل دولت اسلامی فراهم شد (ابن‌سعد، بی‌تا: ۲۱۹/۱؛ ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق: ۵۵۵). نخستین فرآیند سیاسی امت پس از تأسیس حکومت در اسلام، در وحدت قبایل مدینه و مهاجران و اهل کتاب در صفحه سیاست داخلی حکومت اسلامی مدینه منوره تجلی یافت. در سال نهم هجری امت نمود عملی و کارکرد خود را پس از فتح مکه و عام الوفود برای ایجاد مدنیت نوین پیدا کرد. پس می‌توان مدینه را فرمانای تأسیسی آموزه امت دانست.

با نگاهی گذرا به سیره رسول‌الله(ص) به خوبی مشخص می‌شود که بی‌گمان ملت‌سازی در فلسفه سیاسی ایشان عمیق‌تر از مفهوم ملت در اندیشه سیاسی جدید است؛ به همین دلیل تعبیر امت، اساس تکوین نظام اسلامی در مدینه است (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۶: ۳۱۹). در مدینه‌النبی، محوریت مفهوم امت سبب شد تا با گسترش مشارکت همگانی، عدم تهییج احساسات ناشی از تعصبات جاهلی، غیرفعال کردن گسست‌های اجتماعی و تبدیل تهدید تعصبات به فرصت پی‌ریزی قواعد انسانی، تمایزطلبی‌های افراطی کم‌رنگ شود (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۱. فرآیند هم‌گرایی مذهبی به نوعی تلاش در راستای مفهوم امت واحده و مؤلفه‌های ایجاد و بقای آن را سازماندهی می‌کند.  
 ۲. برخی با استناد به پیمان‌نامه یا قانون اساسی مدینه (صحیفه‌النبی) که رسول‌الله(ص) در اوان هجرت به یثرب، میان قبایل گوناگون یثرب و اقوام حاضر در آنجا منعقد کردند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق: ۱۴۸/۲)، برداشتی سیاسی و نه اعتقادی، از مفهوم امت را مطرح کرده‌اند که فراتر از اشتراکات و تعلقات اعتقادی مسلمانان بوده است و بر بنیاد قرارداد اجتماعی استوار است. به اعتبار این صحیفه، یهودیان و مشرکان مدینه، به رغم اختلاف اعتقادی، داخل در مفهوم امت، دست کم در آن مقطع تاریخی، بوده و از برخی حقوق سیاسی و مدنی برخوردار بوده‌اند (فیرخی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).



شکل ۱: فرآیند کم‌رنگ شدن تمایزطلبی‌ها و تقویت پیوند اجتماعی در مدینه‌النبی

### ۲-۳. فرآیند امت در سیره امام علی(ع) در عصر خلفا

امام علی(ع) در روز سیزدهم رجب سال سی عام‌الفیل، در خانه کعبه زاده شد (مفید، بی‌تا: ۳/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۴۸۳/۳). وی از کودکی در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله پرورش یافت (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: القسم الاول، ۲۴۶) و نخستین مردی بود که اسلام آورد و با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواند (ابن سعد، بی‌تا: ۲۱/۳؛ حسکانی نیشابوری، بی‌تا: ۸۷/۱ و ۲۵۵). امام علی(ع) در تمامی ساعات هولناک شبانه‌روز و حملات ناگهانی قریش در دره ابوطالب، از رسول خدا(ص) مراقبت می‌کرد (منقری، ۱۴۱۰ق: ۸۸). وی در شب هجرت رسول خدا(ص) به دستور آن حضرت در شب اول ربیع‌الاول سال چهاردهم بعثت (لیله‌المبیت) در بستر ایشان خوابید (حسکانی نیشابوری، بی‌تا: ۹۷/۱). پس از ورود به مدینه در جریان عقد اخوت میان مسلمانان، رسول خدا(ص)، علی(ع) را برادر خود خواند و فرمود: «أَنْتَ أَجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (ابن سعد، بی‌تا: ۲۲/۳؛ ابن اثیر، بی‌تا: ۲۹/۴). امام علی(ع) در همه غزوات رسول خدا(ص) به جز جنگ تبوک شرکت داشت و در پیمان صلح حدیبیه، کاتب قرارداد صلح بود. مأموریت ابلاغ آیات برائت از مشرکان در عید قربان درسال نهم هجری و اعزام به سرزمین یمن و دعوت قبیله همدان و مذحج در سال دهم (واقدی، ۱۴۰۹ق: ۱۰۷۹/۳) از دیگر مأموریت‌های وی بود که به شایستگی آنان را به اسلام خواند؛ به گونه‌ای که بزرگان همدان همگی در یک روز ایمان آوردند (طبری، ۱۳۸۷ق: ۳۹۰/۲). علی(ع) پس از بازگشت از یمن، در مراسم حجه‌الوداع شرکت کرد و رسول خدا(ص) او را در قربانی خود شریک ساخت (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: القسم‌الثانی، ۶۰۲). آن حضرت در روز هجدهم ذی‌حجه سال دهم هجری در غدیرخُم حدیث غدیر را درباره امام علی(ع) بیان فرمود و او را به جانشینی خود منصوب کرد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۱۱۰/۳؛ قرطبی، بی‌تا: ۳۶/۳).



امام علی(ع) پس از رحلت پیامبر(ص) و واقعه سقیفه بنی ساعده مواجه با دو جریان فکری و فرهنگی بود.

الف) خط اسلامی قریشی که در عصر بیست و پنج ساله، خلافت را به دست گرفته بود.  
 ب) جریان اشرافیت قبیله‌ای به رهبری قریش که در عصر خلفا آرام آرام در مدینه، مکه و شام با حمایت مشاوران مسیحی مثل سرجون و راویان اهل کتاب تازه مسلمان و صحابه جاعل حدیث علیه اهل بیت(ع) قدرت بیشتری پیدا کرد و در راستای رجعت‌طلبی به عصر جاهلیت نسبت به ایجاد امت واگرایی داشت. امام علی(ع) سکوت و از دست دادن حق تقدم خود بر خلافت بنا بر نص قرآن که جانشینی را در خاندان پیامبران قرار داده است و وصایت رسول خدا(ص) که جانشین خود را علی(ع) قرار داده بود را برگزید. اگر او اقدام عملی برای خلافت غصب شده خود می‌کرد، اختلاف و درگیری در مدینه کمترین نتیجه آن بود؛ لذا ایشان رویه وحدت امت را انتخاب کرد.

آیا سکوت امام علی(ع) به معنای خانه‌نشینی و کناره‌گیری از همه خدمات و مسئولیت‌های اجتماعی است؟ پاسخ منفی است؛ زیرا امام علی(ع) به گونه‌ایی که در خطبه شمشقیه بازگو می‌کند از موضع خود در طی این بیست و پنج سال با عنوان صبر، تسلیم و حفظ وحدت امت اسلامی یاد می‌کند و هرگز در این واژه سخنی از انزوا و گوشه‌نشینی نیست و می‌فرماید: «دیدم خویشتنداری در این امر عاقلانه‌تر است، پس صبر کردم در حالی که در چشمانم خار و خاشاک و در گلویم استخوان بود در حالی که میراث مرا غارت می‌کردند» (خطبه/۳). همچنین می‌فرماید: به خدا سوگند اگر بیم جدایی و تفرقه بین مسلمانان و بازگشت کفر و واژگون شدن دین نبود ما به گونه دیگری جز آن چه تاکنون بودیم، می‌بودیم (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷ ق، ۳۰۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق؛ ۱۶۱/۳۲).

او موقعیت حساس اسلام و خطر دشمنان آن را به درستی درک کرده بود، به همین سبب پس از درگذشت حضرت فاطمه(س)، هنگامی که پیامبران دروغین ظهور کردند و برخی از اعراب از دین برگشتند، عثمان بن عفان نزد وی آمد و گفت: «ای پسر عمو تا تو بیعت نکنی، هیچ کس به پیکار این دشمن نمی‌رود». عثمان او را به نزد ابوبکر بن ابی قحافه برد و علی(ع) با وی بیعت کرد و مسلمانان خرسند شدند و برای پیکار با مرتدین همت کردند و لشکریان ارسال شدند (بالذری، ۱۴۱۷ ق؛ ۲۷۰/۲). وی حاکمیت سیاسی را برای اجرای احکام اسلامی و برپا داشتن توحید، حدود اسلام و عدالت می‌طلبید، بنابراین، چگونه می‌توانست قدرت سیاسی را به قیمت نابودی اصل اسلام طلب کند؟ زیرا گروهی از اعراب علیه اسلام قیام کردند تا دین خدا را از میان بردارند. در این هنگام ترسید که اگر اسلام را یاری نکند، در آن شکافی پدید آید که اساس آن را واژگون کند و مصیبت آن از غصب خلافت مهم‌تر باشد (ثقفی کوفی، ۱۴۰۷ ق؛ ۲۰۲). در این زمان امام نیز از موضع خویش تحلیلی ایثارگرانه داشته و هرگز سخن از انزوا و کناره‌گیری نیست، بلکه اساسی‌ترین فلسفه سکوت آن حضرت، سخن از درگیر نشدن با

۱. نیمی از ایام خلافت ابوبکر به پیکار با پیامبرنمایان و مرتدان گذشت. با سرکوبی پیامبران دروغین - که عموماً از کاهنان قبایل عرب بودند - بازگشتگان از دین، قوای اسلام به سوی مرزهای دولت ساسانی نزدیک شد و بدین‌رو آرامشی نسبی برای ایجاد وحدت و هویت تاریخی عرب فراهم گردید.

دستگاه خلافت به خاطر حفظ اصل دین و اسلام بود که نتیجه آن حفظ وحدت و امنیت امت اسلامی بود. از این رو، باید سکوت آن حضرت را به معنای گزینش موضع مسالمت‌آمیز با دستگاه خلافت و پرهیز از درگیری و مبارزه مسلحانه به سبب انشعاب و تفرقه در میان امت، تفسیر کرد.

بقا و دوام هر حکومت یا نظام سیاسی بستگی تام به کیفیت و میزان مشروعیت آن دارد. بنابراین همه حکومت‌ها، برای بقا و استمرار و نیز تحکیم پایه‌ها و بنیادهای حکومتی خود ناچار به بازشناسی منابع مشروعیت نظام سیاسی خویش هستند (نریمانی و طاهری‌نیا، ۱۳۹۸: ۹۷). امیرمومنان(ع) در خصوص علت بیعت خود چنین می‌گوید: من دست باز کشیدم، تا آن‌جا که دیدم گروهی از اسلام باز گشته، می‌خواهند دین محمد(ص) را نابود سازند، پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شما است (نامه/۶۲).

آن حضرت بیش از هرکس دیگری می‌بایست مراقب تحکیم اسلام می‌بود و ترس از اختلاف، دو دستی و انهدام دین و بازگشت کفر او را ناگزیر به سکوت کرد. علاوه‌براین حضور منافقان، شیوخ قبایل نومسلمان که ایمان واقعی نداشتند و تنها تسلیم شده بودند، امپراتوری روم شرقی که در اوج قدرت و برتری نظامی قرار داشت و دولت ساسانی، از دیگر خطراتی بود که اسلام را تهدید می‌کرد. امام علی(ع) بر خلاف این‌که خود را محق خلافت می‌دانست، از حق خویش گذشت و مشکلات خلافت را حل می‌کرد و به پرسش‌های دینی و مذهبی جواب می‌داد. در عرصه‌های گوناگون به مشاوره می‌پرداخت و از پذیرش مسئولیت‌های اجرایی سرباز زد و بدین ترتیب اعتراض و ناخرسندگی خویش را از آن نظام نشان داد. امیرمومنان(ع) در عمل ثابت کرد<sup>۱</sup> که بزرگ‌ترین منادی وحدت مسلمانان است (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۹ق: ۱۵۲/۵) تا روش او برای همه فرق اسلامی الگو قرار گیرد<sup>۲</sup>.

آن حضرت در عصر خلیفه دوم هیچ‌گاه دوستان، یاران و صحابی خود را از پذیرش مناصب اجرایی و مدیریتی و حضور در صحنه‌های مختلف جنگ و فتوحات که توسط خلفا سازمان‌دهی می‌شد باز نداشت، بلکه روی موافق نیز نشان می‌دادند. به‌عنوان مثال عمر بن خطاب، پاره‌ای از شیعیان همچون عمّار بن یاسر و سلمان فارسی را به فرمانداری کوفه و مدائن منصوب کرد (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۷۰؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۰/۳؛ یعقوبی، ۱۳۴۳: ۳۷/۲). گرچه امیر مومنان(ع) در برابر خلفا از پذیرش مسئولیت‌های اجرایی به سبب مشروعیت بخشی خلفا سرباز زد اما هیچ‌گاه اطلاعات و دانستی‌های خویش را از آنان دریغ نداشت و از هرگونه مشورت و کمک فکری به خلفا فروگذار ننمود. امام در جلسه‌های مشورتی خلیفه با صحابه حضور می‌یافت و بیش از آنکه نگران از دست رفتن حقوق شخصی خویش باشد در اندیشه هم‌گرایی امت اسلامی و صیانت از میراث و دستاوردهای عصر رسول خدا(ص) بود. تا جایی که خلیفه

۱. شیخ طوسی در تهذیب‌الاحکام، کتاب الحدود، ذیل با «الحُدُّ فی التَّکر» روایتی از امام صادق(ع) می‌آورد که نشان‌دهنده همکاری امام علی(ع) با خلیفه اول است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۹۴/۱۰).

۲. «خبرخواهی علی برای امت و بیمی که از تفرقه مسلمانان داشت مانع از تأخیر در بیعت با آنان می‌گردید» (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۹). بنابراین بیعت امام علی(ع) با خلفای وقت از جمله مهم‌ترین اقدامات وحدت‌آفرین ایشان در آن برهه حساس از تاریخ می‌باشد.

بیش از همه از دانش و آگاهی امام علی(ع) درباره فتوح<sup>۱</sup> (واقدی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۶/۱) و امور قضایی و مالی (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق: ۲۹۲/۱) و تغییر مبدأ تاریخ اسلام (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۲۹۹/۶؛ سیوطی، بی تا: ۱۴۳) سود جست و می گفت: «خدایا درباره مشکلی که در حل آن علی نباشد، به تو پناه می برم» و امام علی(ع) را بهترین داوران خطاب می کرد (ابن سعد، بی تا: ۳۳۹/۲؛ امینی، ۱۳۹۷ق: ۶: ۳۲۷). علاوه بر این، شرکت ایشان در شورای شش نفره که نتیجه آن حذف امام علی(ع) از خلافت بود را نیز می توان از نمونه های عملی کراهت از تفرقه و در راستای وحدت گرایی و هم گرایی اسلامی امام برشمرد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۵۶۹/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۳/۳۲).

در عصر خلیفه سوم (عثمان بن عفان) اشغال مصادر سیاسی خلافت اسلامی به وسیله آزادشدگان و عشرت طلبی و لذت جویی اشراف اموی، رفتار ناشایست عمال عثمان، غارت اموال عمومی، تبعیضات و بی عدالتی و فساد حزب انحصارگر اموی، موجب اعتراضات و تغییرات اجتماعی وسیعی گردید و هسته های مقاومت و مخالفت علیه عثمان شکل گرفت. امام علی(ع) تلاش وسیعی را برای حفظ وحدت و آرامش جامعه و اصلاح امور به عمل آورد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۳۷۱/۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۳۹۹/۳) و با نصایح مصلحانه به عثمان گفت: «مگر عمر به تو وصیت نکرد که آل ابی معیط و بنی امیه را بر مردم مسلط نکنی» (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۵۱۷/۴ و ۵۲۲). خلیفه تلاش مصلحانه آن حضرت را نپسندید و امام علی(ع) را به ینع تبعید کرد (ابن شبه، ۱۴۱۰ق: ۲۲۰/۱)، چون مخالفان عثمان به مدینه آمدند از آن حضرت درخواست کردند تا به مدینه باز گردد و میان مخالفان وساطت کند. آن حضرت با بزرگواری پذیرفت و عثمان قول داد که رفتارش را عوض خواهد کرد ولی مروان بن حکم مانع تغییر رفتار خلیفه شد (خطبه/۱۶۳؛ ابن اثیر، ۱۳۹۸ق: ۸۱/۳). سرانجام چون وساطت های آن حضرت ثمری نبخشید مخالفان وی را محاصره کردند. در هنگام محاصره طلحه آنان را تحریک کرد تا آب را بر روی عثمان ببندند. امام علی(ع) به ناگزیر سه مشک آب برای وی فرستاد که با اعتراض طلحه مواجه شد. آن حضرت با سماحت و بزرگواری حسنین(ع) را در خانه عثمان فرستاد تا مانع ورود ناراضیان به خانه عثمان شوند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق: ۳۸/۲). شخصیت علی(ع) در چنین مواقعی روشن می شود و با کمال صراحت علت را جز علاقه به عدم تفرقه میان مسلمین نیست، بیان کرده است (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۸/۲).

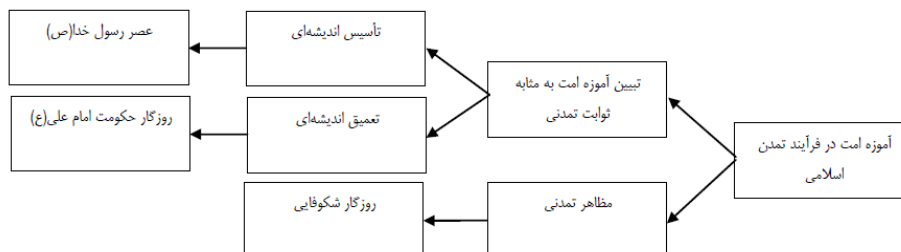
امام علی(ع) دلیل پذیرفتن بیعت مسلمانان بعد از قتل عثمان را نیز، جلوگیری از تفرقه و برهم خوردن وحدت امت اسلامی بیان می دارد: «پس بخدا سوگند برای من در حکومت هیچ رغبتی نبود ولکن شما مرا به آن فراخواندید و بر آن قرار دادید، بنابراین ترسیدم اگر شما را رد کنم امت دچار اختلاف شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۱/۳۲). امام علی(ع) با صراحت به پیشتازی خودش در وحدت امت اسلامی اشاره دارد: «بدان هیچ کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد(ص) حریص تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم» (خطبه/۱۱۳).

۱. برای نمونه: شرکت در جنگ با رومیان در سال پانزده هجری (خطبه/۱۳۴).

## ۲-۴. خلافت ظاهری امام علی(ع) و تحقق امت‌گرایی

اندیشه علوی می‌خواست دوباره جامعه اسلامی را در مسیری به تکاپو وا دارد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله آن راه و مسیر آن را گشوده بود؛ لذا امام علی(ع) نهضت اصلاحات اجتماعی و امت‌گرایی خود را طرح کرد (خطبه/۱۳۱ و ۱۶). آن حضرت اسوه وحدت و به تعبیر برخی از نویسندگان اهل سنت «بنیان‌گذار تقریب بین مذاهب<sup>۱</sup>» می‌باشد (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). آن حضرت پس از مشاهده انحرافات که در اندیشه و باورهای مردم حاصل شد، با اصرار صحابه و نمایندگان شهرهای گوناگون که اکنون می‌دیدند کشتی توده‌های مسلمان به انحرافی سترگ گرفتار آمده است، امر خلافت را با بیعت و حضور گسترده مردم و برای اجرای عدالت پذیرفتند (خطبه/۳).

سنخ اثرگذاری آموزه امت در روزگار شکوفایی تمدنی اسلام با روزگار رسول خدا(ص) و امام علی(ع) متمایز است. این تمایز را باید این‌گونه مورد توجه قرار داد که تأمل نظری در باب مفهوم تمدن از دیدگاه اسلام و ثوابت تمدنی اسلام بسیار مهم و متقدم بر رویکرد به مظاهر تمدنی اسلام می‌باشد؛ زیرا در روزگار رسول خدا(ص) و امام علی(ع) آموزه امت به مثابه ثوابت تمدنی اسلام تبیین شده و جهت‌گیری تمدنی و روح حاکم تمدنی در این دو عصر بازنمایی می‌شود. در حالی که کارکرد تمدنی این آموزه را در روزگار شکوفایی تمدنی باید در ظواهر تمدنی جستجو کرد. می‌توان چنین استدلال کرد که اسلام برای بالابردن ضریب اثربخشی آموزه امت و به عنوان گامی برای تکمیل این آموزه؛ آن را به الگوهایی آرمانی پیوند زده است که البته طبیعی می‌نماید که نقش این الگوهای آرمانی در جهت‌گیری تمدنی است (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۲۸ و ۳۴۳).



شکل ۲: گونه‌های تأثیرگذاری آموزه امت در تاریخ تمدن اسلامی

نگاه امت‌گرایی و تمدنی امام علی(ع) موجب شد تا خود را مشتاق‌ترین شخص به وحدت اسلامی به شمار آورد و با صراحت به پیشتازی خود در این زمینه اشاره دارد: «بدان هیچ کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد صلی‌الله‌علیه و آله حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و

۱. تقریب از ریشه «قَرَّبَ» ضد(بُعد) و به معنای (دُنُو) از نظر لغوی به معنای نزدیک کردن است. پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به تآلف و أُخوت و تفاهم دینی براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، باب القاف). تقریب مذاهب در اصطلاح به معنای زدودن و رفع اختلافات مذهبی و ایجاد همکاری بین رهبران و پیروان مذاهب اسلامی براساس اصل مسلمانی و پیروی از قرآن و سنت است (شفایی، ۱۳۹۰: ۹۰).

بازگشت به جایگاه نیکو هستم» (خطبه/۱۱۳). جامعه اسلامی دوران امام علی(ع) دچار تفرقه و مصیبتی شده بود، که بازگرداندنش به آن دوران شکوهمند، کاری بس مشکل و طاقت‌فرسا بود. امام علی(ع) به خوبی آگاهی داشت که برای مقابله با واگرایی‌ها و چالش‌هایی که امت گرفتار آن بودند راهی جز ایجاد امت واحد و تمدن‌سازی اسلامی میسر نخواهد بود؛ لذا آن حضرت امت‌گرایی را با جهان‌بینی اسلامی و آموزه‌های آن مرتبط ساخت تا امت اسلامی به خاستگاه‌ها، مبانی و شاخصه‌های تمدن‌سازی آگاهی یابند. نظریه امت‌گرایی امام علی(ع) مبتنی بر مبانی ثابت و حیاتی اسلام همچون قرآن کریم، پیامبر(ص)، توحید، نبوت، معاد، مفهوم انسان، امت و امامت و سنت و عترت همراه با عقلانیت و توجه به نیازهای روز تمدنی استوار است و رمز ماندگاری آن نیز با وجود چالش‌ها و موانع بسیار در این است که این نظریه متکی به نگاه راهبردی امت‌گرایی از حیث تمدنی و دارای اصول بنیادینی است که به ماهیت جهان‌بینی، شریعت و فقه اسلامی برمی‌گردد.

امام علی(ع) راه برون‌رفت از اوضاع آشفته بیست‌وپنج سال خلافت را در گرو پیاده کردن ایده امت‌گرایی و ایجاد وحدت در صفوف امت اسلامی ارزیابی می‌کرد و راهکارهای زیر را برای تحکیم و انسجام وحدت امت در روند تمدن‌سازی اسلامی بر محوریت نظام‌سازی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مهندسی کرد:

#### ۲-۴-۱. نفی و مخالفت با مرزبندی‌های عقل قبیله‌ای و اشرافیت جاهلی

ماهیت قبیله‌ای و اشرافیت جاهلی و فراموشی آرمان امت و امت اسلامی از عوامل اصلی و مهم در بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی پس از رحلت رسول الله(ص) به‌شمار می‌رود. امام علی(ع) شاخصه اشرافیت قریش را در عقل سیاسی قبیله‌ای و عصبیت اشرافی می‌دید که موجب تضعیف همبستگی امت و تولید بی‌ثباتی در امنیت دولت اسلامی و عدالت اجتماعی هستند؛ لذا در باره آنان فرمود: «آگاه باشید زنه‌زار از پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگانان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند، و خود را بالاتر از آنچه که هستند می‌پندارند، و کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند، و نعمت‌های گسترده خدا را انکار می‌کنند، تا با خواسته‌های پروردگاری مبارزه کنند، و نعمت‌های او را نادیده انگارند. آنان شالوده تعصب جاهلی، و ستون‌های فتنه، و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند» (خطبه/۱۹۲).

طیف سیاسی‌ای که پیرامون شخصیت آن حضرت شکل گرفته بود، ساختمان قومی نداشت، بلکه بافت فراقومی داشت. احیاء ماهیت قبیله‌ای و اشرافیت جاهلی و فراموشی آرمان امت و امت اسلامی از عوامل اصلی و مهم در بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی پس از رحلت رسول الله(ص) به‌شمار می‌رود. با توجه به سکوت امام علی(ع) در عصر حکومت خلفا که حدود بیست‌وپنج سال به طول انجامید کم‌کم این ارزش‌ها (هویت قبیله‌ای) بازتولید شد و در قالب انگیزه‌های دینی چنان قدرت گرفت که دوران حکومت کوتاه امام علی(ع) را تحت‌الشعاع قرار داد. مخالفان و دشمنان در نظام سیاسی آن حضرت علاوه بر انگیزه نژادی، هم‌گرایی عشیره‌ای نیز داشتند و بسیاری از شخصیت‌های کنشگر این جبهه از بنی‌امیه و متحدان آن بودند. با گذشت زمان نیز فعالیت‌های بنی‌امیه جهت ایجاد یک طبقه

اجتماعی جدید و نوظهور از طریق اشرافیت اموی با عکس‌العمل جدی در جامعه اسلامی روبه‌رو شد. به همین سبب در آغاز خلافت ظاهری امام علی(ع) رانت‌عصبیت عربی اشرافیت قبیله‌ای که همه چیز را در تفرقات قبیله‌ای و دنیوی‌گری می‌دید در بصره و شام به مخالفت و پیکار با آن حضرت پرداختند و بر خلاف میل قلبی و اقدامات مصلحانه برای جلوگیری از جنگ آن حضرت ناگزیر گردید تا در میدان نبرد در بصره و صفین حاضر شود. این چالش‌های رجعت‌طلبانه، قبیله‌گرایی و امتیازات اشرافی در برابر امت نیاز به ایده و رفتار عملی داشت و به همین سبب آن حضرت ایده همسان‌سازی امتیازات اجتماعی را ارائه کرد که از مهم‌ترین دستاوردهای برآمده از آموزه امت در دوران حکومت امام علی(ع) در بازسازی تمدن اسلامی بود.

### ۲-۴-۲. حفظ عقیده مشترک و پیاده کردن شریعت و حدود آیین همگانی اسلام

قرآن با تأکید بر مسئله وحدت و هم‌گرایی می‌فرماید: «شما امت واحد هستید و از کسانی نباشید که دین خود را پراکنده ساختند و با ایجاد انحراف و اختلاف گروه گروه شدند و هر گروهی آن‌چه نزد خود دارد خرسند است» (روم/۳۱؛ مؤمنون/۵۳-۵۲). گستردگی و پراکندگی جغرافیایی در جهان اسلام سبب شده بود تا حکومتی غیرمتمرکز و فدرالی در روزگار حکومت امام علی(ع) ایجاد شود. ملت‌ها و نژادهای دیگر با سابقه فرهنگی و تمدنی متمایز عرب مسلمان شده بودند و پذیرش اسلام به معنای کنار گذاشتن تمام عناصر فرهنگی و سیاسی نبود؛ زیرا تکیه بر نژاد عرب و اتکا بر چرخه متمرکز قدرت ممکن نبود (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۴۹). امام علی(ع) در یکی از خطبه‌های اوایل دوره حکومت خود می‌فرماید: «قسم به خداوند که اگر ترس از اختلاف و جدایی مسلمانان نبود و اگر ترس از آن نبود که کفر بازگردد و دین فانی شود، هر آینه رفتار ما با آنان به گونه دیگری بود» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷ق: خطبه/۱۱۹). امام علی(ع) پس از رحلت رسول‌الله(ص)، بزرگ‌ترین انحراف را از دست رفتن امامت الهی خود می‌دید ولی هیچ اقدامی در جهت شکنندگی اتحاد مسلمین انجام نداد. تنها مسئله‌ای که فراروی آن حضرت قرار داشت حفظ اصل اسلام و پیاده نمودن احکام و حدود اسلام و نهادینه نمودن وحدت در میان امت بود. بر همین اساس می‌فرماید: «آیا دین ندارید که محور اجتماع و همدلی شما باشد؟» (خویی، ۱۴۱۲ق: ۲۷۷/۱۰). یعنی خود دین عامل هم‌گرایی، وحدت و همدلی است.

### ۲-۴-۳. وحدت عامل عزت و تداوم اجتماعی امت

از دیدگاه امام علی(ع) وحدت امت، موجب انسجام و همبستگی اجتماعی، اشتراک مساعی، عامل عزت و سطوت و استحکام قدرت امت‌ها و قطع طمع دشمنان از نفوذ در امت اسلامی می‌گردد. آن حضرت درباره خوارج فرمود: «پس همراه آنان باشید، همراه جماعت<sup>۱</sup> بزرگ‌تر؛ زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید؛ زیرا کسانی که از جماعت کناری می‌گیرند طعمه شیطان‌اند مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را بر می‌درد» (خطبه/۱۲۷).

همچنین در خطبه قاصعه می‌فرماید: «روشی را برگزینید که به سبب آن مقام‌شان ارجمندی یافت و

۱. امام علی(ع) جماعت را به معنای کسانی که پیرو حق هستند، هر چند اندک باشند می‌دانند (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۵۴).

دشمنان‌شان از سرشان رانده شد و عافیت بر سرشان سایه گسترد و نعمت مطیع و منقادشان شد به برکت آن کرامت، رشته اتحاد در میان‌شان استوار گردید و از تفرقه اجتناب کردند و الفت و مهربانی را شعار خود ساختند و یکدیگر را بر آن تحریض نمودند و سفارش کردند، از هر کاری که پشتشان را می‌شکست و بنیان قدرت‌شان را سست می‌نمود؛ زیرا رخنه کردن کینه‌ها در دل‌ها و افروخته شدن آتش عداوت‌ها در سینه‌ها و از یکدیگر روی گردانیدن و از یاری هم دست کشیدن، دوری نمودند» (خطبه/۱۹۲).

در جایی دیگر فرموده است: پس دیدم که صبر بر این امر از چند دسته شدن کلمه مسلمین و ریخته شدن خونشان، برتر و با اهمیت‌تر است، در حالی‌که مردم، تازه به اسلام درآمدند و دین مانند مشکی که تکان داده می‌شود کوچک‌ترین سستی آنرا تباه می‌کند و کوچک‌ترین فردی آن را وارونه می‌نماید (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷ق: خطبه/۱۹).

از دیدگاه آن حضرت، وحدت کلمه مسلمین، اصل اساسی و حیاتی سامان‌یابی حرکت امت اسلامی است که موجب عزت و اقتدار آنان خواهد بود؛ زیرا که اصل اتحاد، قوت و سطوت را برای مسلمین، به ارمغان می‌آورد، چنان‌که در قرآن بیان شده است: ﴿لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال/۴۶). به منازعه و اختلاف تن ندهید که به وسیله آن، آبرو و عزت شما نابود خواهد شد.

#### ۲-۴-۴. امامت عامل وحدت و همبستگی امت

امام علی(ع) جایگاه رهبر را چونان ریسمانی محکم معرفی می‌کند که مهره‌ها را متحد می‌کند و به هم پیوند می‌زند و هشدار می‌دهد که اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده خواهد شد و هر کدام به سویی خواهد افتاد. امیرالمؤمنین(ع) به شرح جریان تفرقه و رجعت‌طلبی قریش پس از رسول‌الله(ص) اشاره دارد و می‌فرماید: «اعتماد کردند و از خویشاوند بریدند و از وسیله‌ای که به دوستی آن مأمور شده بودند [یعنی اهل بیت] دور گشتند» (خطبه/۱۵۰). در جای دیگری اشاره می‌کند: «آن ظلم و خودکامگی که نسبت به خلافت بر ما تحمیل شد، درحالی‌که ما را نسب برتر و پیوند خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استوارتر بود، جز خودخواهی و انحصار طلبی چیز دیگری نبود» (خطبه/۱۶۲). آن حضرت مسئله صله رحم، مؤدّت خاندان رسول‌الله(ص) و احقیقت به خلافت را مطرح می‌کند.

باز در مورد دیگری، حضرت، قرابت خود به پیامبر(ص) را شاهد می‌آورد: «من شایسته‌تر و نزدیک‌تر به پیامبر اسلامم، همانا من تنها حق خود را مطالبه می‌کنم که شما بین من و آن حائل شدید، و دست رد بر سینه‌ام زدید ... از قریش و از تمامی آن‌ها که یاریشان کردند به پیشگاه تو شکایت می‌کنم، زیرا قریش پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند، و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند، و در غصب حق من، با یکدیگر هم داستان شدند» (خطبه/۱۷۲) و یا در جایی دیگر می‌فرماید: «چه کسی با آن حضرت در زندگی و لحظات مرگ از من سزاوارتر است؟» (خطبه/۱۹۷) و در فقره‌ای دیگر می‌فرماید: «کسی را با خاندان رسالت نمی‌شود مقایسه کرد و آنان که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند با آنان برابر نخواهند بود. عترت اساس دین، و ستون‌های استوار یقین می‌باشند» هیچ یک از این امت با آل محمد قابل مقایسه نبوده و کسانی که همیشه از نعمت و بخشش آنان بهره‌مند هستند با آنان برابر نیستند. آنان

پایه دین و ستون یقین هستند، دور افتادگان از راه حق به آنان رجوع کرده و ماندگان به ایشان ملحق می‌شوند و خصائص ولایت و امامت در آنان جمع و درباره آنان وصیت و وراثت ثابت است (خطبه/۲). بدین‌سان تبیین جایگاه امامت در امت اسلامی به معنای احترام به حق پیش آهنگی کسی است که امت را در سیر صعودی خلق به سوی خدای متعال راهنما باشد. اصل امامت تدبیری الهی برای جلوگیری از پیدایش حرکت‌های ارتجاعی در امت اسلامی بود. معرفی پیشروترین فرد امت برای امامت آن قدر اهمیت داشت که خداوند در خطاب به پیامبرش عدم ابلاغ این پیام را به منزله عدم ابلاغ رسالتش بیان کرد<sup>۱</sup>. اصلی‌ترین نشانه تحقق روابط امت و امام، یکی بودن آن دو در ترکیب جامعه دینی است. لذا انسجام و هماهنگی یک جامعه به صورت امام و امت متبلور می‌شود. اگر مقصدی در بین نباشد یا راهی برای نیل به آن مقصود نباشد، هرگز انسجام تحقق نمی‌پذیرد و مقصد بدون راه یا راه بدون هدف، عامل هماهنگی و اتحاد جامعه نخواهد بود؛ زیرا زمینه تحرک در آن وجود ندارد. از این‌رو، در نگرش آن حضرت، پیشوای جامعه نقش سازمان‌دهی اهداف امت را بر عهده دارد. اعلم و قانون‌گذار و حاکم و رهبر سیاسی و فرمانده کل قواست و بدین معناست که ولایت امام مهم‌ترین عامل وحدت و استحکام امت و رهبر تمدن‌سازی اسلامی است<sup>۲</sup>.

همچنین از حیث سیاسی نیز نظام «امت-امامت»، به هدایت نیروهای سیاسی و ایجاد هم‌گرایی بین آن‌ها منجر می‌شود. در این خصوص می‌توان به رخداد تغییر «قبله» به مثابه تحولی نمادین اشاره داشت که بر تأسیس هویت متمایز امت اسلامی-از سایر هویت‌های دینی چون یهود و نصاری-دلاله دارد. مونتگری وات معتقد است اندیشه امت به نحوی که اسلام ارائه داده اندیشه‌ای بدیع است و سابقه نداشته است و تاکنون همواره همچون چشمه فیاضی مسلمانان را به وحدت در قالب امتی واحد فراخوانده است. از دیدگاه وی تنها اسلام است که چنین وحدتی را میان پیروانش ایجاد می‌کند و امتش مشتمل بر اقوام گوناگون مانند عرب، فارس، هندی، چینی، مغولی، بربر، سیاه و سفید با افکار متفاوت و مصالح مختلف است (عقاد، ۱۹۹۶: ۱۴۸-۱۴۷).

## ۲-۴-۵. جلوگیری از اختلافات فرقه‌ای و مذهبی

دوران حاکمیت سیاسی امام علی(ع)، با توجه به گسستگی بیست‌وپنج ساله و شکل‌گیری بدعت‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های منفعت‌مدار جدید در میان جامعه اسلامی، به ویژه در میان نخبگان و اشراف، رفتار اجتماعی بسیار پیچیده‌تر شده بود؛ به طوری که توسعه جاهلیت پنهان و نفاق، تشخیص حق را از باطل دشوار ساخته بود. فقدان بلوغ اجتماعی و شعور همگانی مهم‌ترین محدودیت برای تحقق عینی امت واحده در این روزگار بوده است. امام علی(ع) اختلافات مذهبی و جنگ‌های طایفه‌ای در جامعه اسلامی را موجب آشوب‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند که علاوه بر عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، منجر به تضعیف و نابودی دین اسلام می‌شود و مسلمانان را از دستیابی به اهداف و آرمان‌های متعالی خویش باز می‌دارد.

۱. «ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان ...» (مائده/۶۷).

۲. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «الْإِمَامَةُ نِظَامُ الْأُمَّةِ» امامت نظام امت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱/۲۷۴).



آن حضرت نقش وحدت در پرهیز از جنگ‌های مذهبی بدین‌گونه تبیین می‌کند: «آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آن‌ها یکی، قلب‌های آن‌ها یکسان، آیا در آن حال مالک سراسر زمین نشدند؟ پس به پایان کار آن‌ها بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی از میان آن‌ها رفت و از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خدا لباس کرامت خود را از تن آن‌ها بیرون آورد و نعمت‌های شیرین را از آنان گرفت» (خطبه/۱۹۲).

#### ۲-۴-۶. وحدت زمینه‌ساز عدالت اجتماعی

توجه به این‌که سخن از یکپارچگی فرهنگی و انسجام اسلامی در تمدن‌سازی بسیار مهم است از منظر امام علی(ع) میان وحدت و عدالت رابطه تنگاتنگی وجود دارد و فقط با وحدت می‌توان به عدالت رسید. چنان‌که آن حضرت می‌فرماید: «آن‌گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد، اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر(ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان شود» (خطبه/۲۱۶).

«عدالت اجتماعی در اندیشه علی(ع) بیشتر از نوع «تلفیقی» (رالزی) است که در عین تأکید بر اصل برابری خواهان توجه به شایسته‌های فردی و آزادی‌های اساسی انسان‌ها است مشروط به اینکه به زیان محرومان جامعه تمام نشود. از این جهت، عدالت اجتماعی مورد نظر ایشان از نوع «حق‌گرایانه» است و بر جمع حقوق فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. عدالت «لیبرالیستی» در مرتبه بعد و البته نزدیک قرار می‌گیرد که با تأکید صرف بر فردیت تنها به برابری فرصت‌ها توجه می‌کند و از انصاف غفلت می‌ورزد. این بعد اندیشه لیبرالیستی البته با غلبه دیدگاه رالزی در اندیشه علی(ع) تعدیل می‌گردد و در جهت توازن میان برابری و آزادی حرکت می‌کند. بدین‌ترتیب، دیدگاه امام اول شیعیان با تسلط منفردانه هر دو نوع اصلی سیاست‌های مسلط جهان معاصر، یعنی دولت‌های سوسیالیستی و لیبرالیستی، ناسازگار است و خواهان تلفیق آنها در قالب یک مدل مفهومی است» (زیوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۷).

#### ۲-۴-۷. اسلام، قرآن، سنت نبوی و اهل‌بیت(ع) و مبانی وحدت

امام علی(ع) دین کامل اسلام، پیروی از قرآن و سنت رسول‌الله(ص) و اهل‌بیت(ع) و دوری از خود رأیی در قضاوت را از مبانی وحدت و همبستگی می‌داند و در این باره می‌فرماید: آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آن‌ها استمداد کرده است؟ آیا آن‌ها شرکاء خدایند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد. آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد، پس پیامبر(ص) در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؟ خدای سبحان می‌فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم». و فرمود: «در قرآن بیان هر چیزی است». همچنین یاد آور شده که: بعض قرآن گواه دیگر است و اختلافی در آن نیست. پس خدای سبحان فرمود: «اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می‌شد اختلافات زیادی در آن

می‌یافتند. همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیدا است، مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد» (خطبه/۱۸).

امام علی(ع) پیروی سنت نبوی موجب نجات از آفات دانسته‌اند و می‌فرمایند: «راه و رسم رسول الله صلی الله علیه و آله برای انسان کافی است تا راهنمایی برای شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا باشد» (خطبه/۱۶۰). آن حضرت اهل‌بیت(ع) را عامل یقین، ایمان، وحدت و همبستگی امت و موجب تحکیم اسلام می‌دانست و در این باره فرمود: «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی، و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خدایند» (خطبه/۲). خاندان رسول‌الله(ص) نگهدارنده راز نهان و پناه گاه فرمان او، خزینه دانش، مرجع حکمت‌ها، حافظ کتب او هستند. آنان مانند کوه‌هایی برای دینش هستند. به وسیله اینان پشت دین راست و لرزش آن زائل می‌شود.

با توجه به رسوخ سیاست تبعیض نژادی و طبقاتی در عمق جان مردم و عدم تحمل عدالت و برابری، امام علی(ع) با کاربست آموزه امت در این روزگار سعی کرد در تعمیق اندیشه‌ای این آموزه در بستر تمدن‌سازی در تعامل با دیگر نژادها و فرهنگ‌ها الگویی عملی به همگان دست دهد.

#### ۲-۴-۸. گفتگو با حکما و دانشمندان

دانشمندان به عنوان یکی از طبقات مهم و تأثیرگذار در رشد خرد فردی-جمعی جامعه حائز اهمیت هستند و هدایت یا ضلالت هر جامعه‌ای تا حدود بسیاری به وجود، ویژگی و نقش آنان وابسته است (بهرامیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۲). امام علی(ع) گفتگو و مشورت با حکما و دانشمندان را از جمله مبانی وحدت جامعه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» (نامه/۵۳). با دانشمندان و حکیمان، فراوان گفتگو کن، در تثبیت آنچه امور بلاد تو را به صلاح می‌آورد و آن نظم و آیین که مردم پیش از تو بر پای داشته‌اند، بدیهی است که مشاوره حاکم با حکما و دانشمندان موجب استفاده حاکم از علوم دانشمندان برای حل معضلات و مشکلات و تقویت نظام سیاسی و هموار شدن راه برای همبستگی اجتماعی است و نتیجه آن امت‌گرایی و تمدن‌سازی می‌گردد.

#### ۲-۴-۹. حفظ میراث فرهنگی و تمدنی همه انبیا و اقوام گذشته

نظام فکری، فرهنگی و تمدنی حکومتی امام علی(ع) موجب شد ارزش‌هایی که در زمان پیامبر(ص) وجود داشت و به دست فراموشی سپرده شده بود، زنده شود و زمینه برای ایجاد رابطه بین فرهنگ‌ها فراهم شود. حضرت با اصلاحات حکومتی خود به مردم فهماند، پیوندهای خویشاوندی و قبیله‌ای مانع اجرای قوانین نمی‌شود و همه، حتی برادرش در مقابل قوانین یکسان هستند و از میان برداشتن تعصبات قومی و قبیله‌ای و روابط نامتعارف خویشاوندی، مانع از اجرای عدالت و مساوات نمی‌شود و راهی برای اصلاح نظام فکری، فرهنگی و تمدنی و پیوند بین فرهنگ‌های گوناگون در جامعه است (عرفان، ۱۳۹۵: ۱۵۸). امام علی(ع) تداوم سنت‌های حسنه و سامانه‌ها و نظام‌ها و آیین‌های نیکوی فرهنگی و تمدنی گذشتگان

را موجب تداوم امت‌گرایی و سامان امت می‌دانستند و می‌فرماید: «و آداب پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزین، و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیآور،<sup>۱</sup> که پاداش برای آورنده سنت، و کیفر آن برای تو باشد که آنها را در هم شکستی» (نامه/۵۳). سنت نیکویی را که بزرگان این امت به آن عمل کرده‌اند و رعیت بر آن سنت به نظام آمده و حالش نیکو شده است، را نشکن و سنتی میاور که به سنت‌های نیکوی گذشته زیان رساند، آن گاه پاداش نیک بهره کسانی شود که آن سنت‌های نیکو نهاده‌اند و گناه بر تو ماند که آنها را شکسته‌ای. تا کار کشورت به سامان آید و نظام‌های نیکویی، که پیش از تو مردم برپای داشته بودند برقرار بماند و آن نظم و آیین که مردم پیش از تو بر پای داشته‌اند را تداوم بخش.

## ۲-۴-۱۰. اصل محبت امام به امت

امام علی(ع) اصل محبت حاکم به ملت را موجب پیوندهای مستحکم امت می‌داند. در این باره می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند<sup>۲</sup>...» (نامه/۵۳). مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروه هستند: یا برادر دینی تو و یا انسان‌هایی مانند تو هستند. آن حضرت در این فراز اصل لطف و محبت حاکم به مردم را موجب تداوم امت‌گرایی و امیدواری و همکاری میان ملت و حاکم دانسته‌اند. امام علی(ع) به سبب مقام خلیفه الهی انسان<sup>۳</sup> و کرامتی که خدا به او داده است<sup>۴</sup> و لو از اهل کتاب باشد او را شایسته محبت می‌داند. نظر به اینکه اگر انسان در خود احساس کرامت کند و آن را گرامی دارد به دنبال کسب معارف الهی گام بر خواهد داشت و از اعمال ناروا اجتناب خواهد ورزید (یدالهی فر، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

## نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، طرح کلی نظریه امت‌گرایی در راستای تحقق وحدت آرمانی و تمدن‌سازی علوی براساس مجموعه فرمایشات علمی و سیره عملی امام علی(ع) در فرآیند ساخت نظام سیاسی، فرهنگی،

۱. اشاره به نقد: تردیسیونالیسم Traditionalism (احترام به اصالت سنن و آداب) و نقد ریتو آلیسم Ritualism (آداب‌پرستی افراطی) که عکس دیالکتیک Dialectic (تغییر عمومی) است، از دیدگاه امام (ع) نه همه سنت‌ها اصالت دارند و نه همه سنت‌ها را باید طرد کرد، بلکه با ارزیابی صحیح باید آداب و سنن نیکو را محترم شمرد.

۲. نفی تفکر راسیسم Racism (نژادپرستی) و آپارتاید Apartheid (نژادپرستی) و نفی الیتیسم Elitism (خود برترینی و نخبه‌گرایی) و تأیید انتر ناسیونالیسم Internationalism و کاسموپولیتانیسم Cosmopolitanism که همه ملت‌ها برادر و برابر هستند.

۳. «... آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آن‌که ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید» (بقره/۳۰).

۴. «و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم» (اسراء/۷۰).

اجتماعی و اقتصادی به بحث و بررسی گرفته شد. امام علی(ع) در طی بیست و پنج سال عصر خلفا شاهد واگرایی‌ها، چالش‌ها، اختلافات قبیله‌ای و قومی و ظهور جریان ارتداد به رهبری کاهنان و رودرویی با دو امپراتوری قدرتمند روم و ساسانی بود، ولی برای مقابله با دشمن بیرونی و مصالح عمومی امت و پرهیز از اختلاف، با خلفا همکاری داشت؛ زیرا امام به خوبی می‌دانست که وحدت، مایه پر کردن شکاف‌ها و آسیب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود و رسیدن به قدرت امت و ایمنی از آسیب دشمن است. آن حضرت به منظور ماندگاری وحدت و هم‌گرایی امت، نظریه امت‌گرایی را طرح و در سیره خود به کارگرفت. برنامه امت‌گرایی امام علی(ع) فرآیند اجتماعی و قابلیت نقش‌آفرینی در روند تمدن‌سازی اسلامی بر محوریت نظام‌سازی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد. لازم به ذکر است نباید پیامدهای اعمال آموزه امت اسلامی در روزگار حکومت امام علی(ع) را در ظواهر تمدنی جستجو کرد بلکه در این دوره بنیان اندیشه‌ای و روح حاکم و جهت‌گیری تمدنی بر اعمال آموزه امت اسلامی بنا نهاده شد.

نتایج نشان می‌دهد:

- ۱- مبارزه با مرزبندی‌های عقل قبیله‌ای، نژادگرایی، اشرافیت و تعصبات جاهلی کارکرد امت‌گرایی دارد.
- ۲- مبانی وحدت امت را از اسلام، قرآن، سنت نبوی و اهل بیت(ع) باید اخذ کرد.
- ۳- امامت الهی عامل وحدت و همبستگی امت اسلامی و کارکرد در نظام‌سازی سیاسی دارد.
- ۴- وحدت عامل عزت و تداوم نظام اجتماعی امت است.
- ۵- اصل محبت حاکم به امت، حفظ میراث فرهنگی و تمدنی همه انبیا و اقوام گذشته و گفتگو با حکما و دانشمندان کارکرد نظام‌سازی فرهنگی در راستای تمدن‌سازی اسلامی دارد.

## منابع

### - قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۳۷ق). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه العظمی نجفی المرعشی.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۹۸ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الفکر.
- ----- (بی تا). أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد. (۱۴۱۱ق). الفتح، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
- ابن سعد، محمد. (بی تا). الطبقات الکبری، بیروت: مطبعه دارصادر، بی تا.
- ابن شیبہ نیمی بصری. (۱۴۱۰ق). تاریخ المدینه المنوره، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: انتشارات علامه.
- ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۰ق). الامامه و السیاسه المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر القرشی أبو الفداء. (۱۴۰۷ق). البدايه و النهايه، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. (۱۴۰۹ق). العقد الفرید، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵). السیره النبویه، قاهره: مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
- امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۷ق). الغدير فی الکتاب و السنه و الأدب، بیروت: دار الکتاب العربی.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر. (بی تا). فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ----- (۱۴۱۷ق). انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
- بهرامیان، مسعود؛ ویسی، محمود و قنبری، بخشعلی. (۱۳۹۹). «ویژگی های عالم از نگاه امام علی (ع)»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره هشتم، شماره ۳۰، ۱۱۱-۹۷.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۷). همبستگی مذاهب اسلامی (مقالات علمی بیست تن از دانشمندان مذاهب اسلامی)، تهران: انتشارات دانشگاه مذاهب اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الاسلامیه.
- تهانوی، محمد علی بن علی ابن صابر الفاروقی. (بی تا). کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: دار صادر.
- ثقفی کوفی ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۷ق). الغارات، تحقیق عبدالزهراء الحسینی، بیروت: دار الاضواء.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۴). «چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در اندیشه امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷، ۷۲-۵۱.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم.
- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- حسکانی نیشابوری، عبیدالله بن عبدالله بن احمد حاکم. (بی تا). شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- خوبی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۱۲ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- **دائرة المعارف بزرگ اسلامی** (۱۳۷۰). زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز نشر دائرة المعارف.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۸). لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، تحقیق عدنان صفوان داوودی، بیروت: دار القلم.
- زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: المکتبه الحیاه.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۷۶). کاوش در اندیشه‌های سیاسی سیدجمال الدین اسدآبادی، تهران: مؤسسه حسینیّه ارشاد.
- زیوری، معصومه؛ نوری، هادی؛ غلامی، محمدرضا و قاسمی روشن، ابراهیم. (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای قیاسی رابطه دینداری و عدالت اجتماعی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره هشتم، شماره ۳۲، ۴۱-۶۰.
- سیوطی، جلال‌الدین. (بی تا). تاریخ الخلفاء، تحقیق قاسم الشّماعی و محمد العثماني، بیروت: دار الارقم ابی الارقم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۰). نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۵). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صبحی، صالح. (۱۳۷۰). فرهنگ نهج البلاغه، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الخیار، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳). المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الطبری، بیروت: دار التراث، ط. الثاني.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- عرفان، امیرحسین. (۱۳۹۵). «آموزه امت اسلامی در قرآن کریم و تبیین قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- عقاده، عباس. (۱۹۹۶). ما يقال عن الاسلام، بیروت: دارالکتب العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۵ق). کتاب العین، تألیف مهدی المحزومی، قم: دار المحجره.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۶). تاریخ تحول دولت در اسلام، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قرطبی، ابن عبدالبر النمری. (بی تا). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، به هامش الاصابه فی تمییز الاصحابه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- گارده، لویی. (۱۳۵۲). **اسلام دین و امت**، ترجمه رضا مشایخی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). **بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت: دار أحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶). **التحقیق فی کلمات القرآن**، تهران: مؤسسه الطباعه و النشر وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان مفید. (بی تا). **الارشاد**، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیة.
- منقری، نصر بن مزاحم. (۱۴۱۰ق). **وقعه صفین**، تصحیح عبدالسلام محمدهارون، بیروت: دارالجلیل.
- نریمانی، زینب؛ طاهری نیا، علی باقر. (۱۳۹۸). «واکاوی مقوله آگاهی بخشی در نامه های امام علی (ع) به مردم براساس روش تحلیل محتوای کیفی»، **پژوهشنامه نهج البلاغه**، دوره هفتم، شماره ۲۶، ۱۰۷-۸۹.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴). **جوان مسلمان و دنیای متجدد**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). **المغازی**، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ----- (۱۴۱۷ق). **فتوح الشام**، تصحیح عبداللطیف عبدالرحمن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- یدالهی فر، محمدجواد؛ فقیهی، علیرضا؛ سیفی، محمد؛ یوسف زاده، محمدرضا و ناظقی، فائزه. (۱۳۹۷). «اهداف و اصول تربیت معنوی بر اساس آموزه های امام علی (ع) در نهج البلاغه»، **پژوهشنامه نهج البلاغه**، دوره ششم، شماره ۲۴، ۱۲۰-۱۰۵.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۴۳). **تاریخ یعقوبی**، ترجمه ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.